

مطالعات حقوق تطبیقی

دوره ۹، شماره ۱

بهار و تابستان ۱۳۹۷

صفحات ۴۵۱ تا ۴۷۲

استثنای حق تصویر

عباس میرشکاری*

استادیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ ارسال: ۱۳۹۶/۰۷/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۸/۲۹)

چکیده

اشخاص نسبت به تصویرشان حق دارند؛ به این معنا که می‌توانند دربارهٔ تصویربرداری دیگری از خودشان و نیز انتشار تصاویر گرفته‌شده تصمیم بگیرند. به همین سبب، برای تصویربرداری و یا انتشار عکس دیگران باید رضایت شخص موضوع تصویر را به‌دست آورد. باین‌حال، این اختیار، مطلق نیست. مردم جامعه حق دارند تا از رویدادهای پیرامون خویش باخبر شوند؛ پس اگر به قصد اطلاع‌رسانی به دیگران از شخصی تصویر گرفته و منتشر شود، نباید بر لزوم اخذ رضایت وی پافشاری کرد. برای همین، نظام‌های حقوقی مختلف، تصویربرداری از اشخاص مشهور یا مکان‌های عمومی و به‌طور کلی آنجا را که قصد اطلاع‌رسانی در میان است، مجاز می‌دانند. باین‌حال، در این‌گونه موارد باید حریم خصوصی اشخاص و شرافت و حیثیت آن‌ها پاس داشته شود. درضمن، میان انگیزه اطلاع‌رسانی و سودجویی باید تفاوت گذاشت. در نظام حقوقی ایران با توجه به اصل ۲۴ ق.ا. مبنی بر آزادی مطبوعات در بیان مطالب و نیز اهمیت منافع عمومی و ترجیح آن بر منافع خصوصی، به‌نظر می‌رسد همین باور قابل پذیرش باشد.

واژگان کلیدی

اشخاص مشهور، تصویر، حریم خصوصی، حقوق بشر، منافع عمومی.

مقدمه

حق تصویر به این معناست که اشخاص حق انحصاری نسبت به تصویرشان دارند؛ به عبارتی، حق دارند تا با آزادی کامل درباره تصویر خویش تصمیم بگیرند (Peptan, 2014, P.29). این آزادی هم شامل آزادی برای تصمیم‌گیری در خصوص اصل تصویربرداری و هم چگونگی تصویربرداری می‌شود. به علاوه، اشخاص می‌توانند در خصوص انتشار یافتن یا نیافتن تصویر خویش و نیز استفاده یا عدم استفاده از آن تصمیم بگیرند (helling, 2005, p.25).

با این حال و با وجود این حق، اشخاص همیشه در صدد دستیابی به تصویر دیگران، انتشار آن و حتی استفاده از آن در مسیر مقاصد مختلف بوده‌اند. این اشتیاق، گاه از سر تفنن و کنجکاوای است، آنگاه که به دنبال پی بردن به اسرار زندگی خصوصی دیگران‌اند و گاه برای جلب منافع مالی، آن زمان که از تصویر شخص مشهوری در آگهی تجاری یا هنگام معرفی یک محصول استفاده می‌شود؛ گویی که شخص مشهور، کیفیت محصول یادشده را تأیید می‌کند. اما هدف از تصویربرداری و انتشار عکس گاهی فراتر از این مسائل است؛ عکاس یا منتشرکننده عکس در پی اطلاع‌رسانی به دیگران از اتفاقی که رخ داده، است و دیگران مشتاق یا نیازمند آگاهی یافتن از آن هستند. با همه این‌انگیزه‌ها، نمی‌شود یکسان و یکدست برخورد کرد. برخی قابل احترام‌اند و مورد نیاز جامعه، بنابراین، شاید تحدید حق شخص نسبت به تصویرش در برابر این‌گونه انگیزه‌ها پذیرفتنی باشد؛ اما برخی دیگر از یک سرگرمی سطحی یا یک محاسبه تجاری فراتر نیستند، در این شرایط، حفظ تمامیت حق تصویر ترجیح دارد.

در این مقاله، در صددم تا بینیم در چه مواردی می‌توان بدون نیاز به جلب رضایت اشخاص، از آن‌ها تصویر گرفت و یا تصویر گرفته‌شده را منتشر کرد و در چه مواردی حتماً باید اجازه اشخاص موضوع تصویربرداری را به‌دست آورد.

با توجه به سکوت ادبیات حقوقی ما در برابر این پرسش^۱، ابتدا تلاش می‌شود با مطالعه تطبیقی، رویکرد سایر نظام‌های حقوقی و به‌ویژه کشورهای اروپایی بررسی شود. در این مطالعه، خواهیم دید که انتشار تصویر دیگران در فرضی که منتشرکننده عکس در پی اطلاع‌رسانی به

۱. البته باید از مقاله «مطالعه تطبیقی ماهیت حقوق تصویری ستارگان در تبلیغات تجاری» نوشته فیض‌الله جعفری و مهرناز مختاری به‌عنوان اثری که به‌ویژه به حق اشخاص مشهور بر تصویرشان پرداخته است، یاد کرد. با این حال، در مقاله یادشده، بر حق اشخاص مشهور نسبت به تصویرشان تأکید شده است، اما در مقاله پیش‌رو نشان داده خواهد شد که حق اشخاص مشهور نسبت به تصاویرشان، مطلق و بدون استثنا نیست. به علاوه، خواهیم دید که افزون بر شهرت، عوامل دیگری نیز برای ایراد استثنا بر حق تصویر وجود دارد؛ عواملی که مبنای همه آن‌ها، حق دستیابی به اطلاعات است. افزون بر این‌ها، در قوانین قابل استناد در حقوق ایران، میان مقاله یادشده با مقاله پیش‌رو تفاوت‌هایی دیده شده است.

دیگران است، حتی بدون نیاز به جلب رضایت اشخاص مجاز است. در غیر این صورت، یعنی در جایی که شخص به دنبال مقصدی به غیر از اطلاع رسانی باشد، باید رضایت اشخاص را به دست آورد. پس از این مطالعه تطبیقی، سعی می‌شود موضع نظام حقوقی کشور ایران درباره این موضوع تحلیل گردد.

اصل لزوم أخذ اجازه برای انتشار و بهره‌برداری از تصویر

الف) درباره تصویر سه مرحله را باید از یکدیگر تفکیک کرد: تصویربرداری از سوی دیگران، انتشار تصویر، و استفاده از آن. مفهوم گرفتن تصویر و انتشار آن روشن است، استفاده از تصویر نیز به این معناست که از تصویر در مسیر تبلیغ یک محصول یا خدمت و یا ارائه یک باور خاص استفاده شود (Logeais, 1998, p.517). پرسش اصلی این است که آیا باید از شخص برای انجام هر یک از اقدامات یادشده، اجازه گرفت یا خیر؟ برای نمونه، آیا می‌توانیم بدون اجازه شخص از او تصویر بگیریم یا بدون اجازه، تصویر گرفته شده را منتشر یا از آن استفاده کنیم؟ پاسخ در فرض انتشار و استفاده تقریباً روشن است: کم‌وبیش تمامی نظام‌های حقوقی، اصل را بر این می‌گذارند که علی‌الاصول انتشار تصاویر دیگران تنها با أخذ رضایت آن‌ها شدنی است (Brüggemeier, 2010, p.375)، اما زمانی که بحث تنها بر سر تصویربرداری صرف و نه انتشار آن است، میان نظام‌های حقوقی مختلف اختلاف عقیده وجود دارد.

ب) برخی از نظام‌های حقوقی بر پایه احترام به آزادی اشخاص بر این باورند که صرف تصویربرداری از یک شخص بدون آنکه تصویر گرفته شده را منتشر کنیم، زبانی به او وارد نمی‌کند؛ بنابراین، نیازی به جلب رضایتش نخواهد بود. در نتیجه، اشخاص برای تصویربرداری صرف آزادند، اما هرگاه بخواهند تصویر گرفته شده را منتشر کنند، باید رضایت شخص را به دست آورند. در واقع در این نظام‌ها، بیشتر به آزادی این کار و اراده اشخاصی که به تصویربرداری می‌پردازند توجه می‌شود تا افرادی که موضوع تصویربرداری‌اند. برای نمونه، در حقوق استرالیا، شخص صرف نظر از اینکه مشهور باشد یا نباشد، تنها به دلیل گرفتن تصویرش نمی‌تواند خواستار غرامت شود. دلیل این باور این است که در این نظام حقوقی، حق بر تصویر در ماده ۷۸ قانون کپی‌رایت درج شده است. اجرای این ماده نیز مشروط بر این است که تصویر منتشر بشود. در واقع، صرف گرفتن تصویر برای اثبات استحقاق شخص برای طرح دعوا کافی نیست. در نتیجه، گرفتن تصویر از دیگری ممنوعیتی ندارد (ibid, p.375). در حقوق انگلستان نیز هیچ قانونی برای ممنوعیت گرفتن تصویر وجود ندارد و اینکه شخص مشهور باشد یا نه نیز تأثیری در این حکم ندارد (Brüggemeier, 2010, p.280). در یک پرونده، قاضی اعلام کرد که صرفاً به این دلیل که یک شخص شناخته شده تلاش می‌کند که مردم را از گرفتن تصویر منع

کند، به این معنا نیست که هر تصویری که گرفته می‌شود، نقض محرمانگی به‌شمار می‌آید (Creation Records Limited and Others v. News Group Newspapers Limited 1997).

ج) باین‌حال، پایبندی کامل به این باور دشوار است، زیرا همین که اشخاص برای تصویربرداری از دیگران آزاد باشند، آزادی اشخاص موضوع تصویربرداری محدود می‌شود؛ چراکه همیشه نسبت به تصویربرداری از سوی دیگران دغدغه وجود دارد. برای همین، برخی از نظام‌های حقوقی مانند نظام حقوقی فرانسه بر این باورند که حق بر تصویر نه‌تنها در مقابل انتشار به‌کار می‌آید، بلکه صرف گرفتن عکس را نیز دربر می‌گیرد. در این نظام حقوقی، اشخاص حق انحصاری بر تصویر خویش دارند؛ به‌نحوی که می‌توانند گرفتن تصویر و نیز انتشار آن را بدون رضایت صریح، قبلی و خاص، ممنوع کنند. بنابراین، عکس‌برداری از دیگری حتی بدون آنکه انتشار تصویر رخ دهد، باید با اجازه وی باشد (Logeais, op. cit, p.517). سایر کشورهای اروپایی نیز به همین سمت گرایش دارند؛ برای نمونه، در حقوق بلژیک و آلمان نباید بدون رضایت شخص از او عکس گرفته شود (Brüggemeier, op. cit, p.375). در حقوق یونان با تأکید بر تعلق تصویر به شخصیت فرد، بر این باورند که تصویر متعلق به خود شخص است؛ پس، گرفتن تصویر دیگری در هر شکل حتی اگر تصویر به عموم ارائه نشود یا بازتولید نشود یا حتی منتشر نشود، ممنوع است. دیوان عالی این کشور در سال ۲۰۰۳م در تصمیم شماره ۹۶۱ همین موضع را تأیید کرد و در ادبیات حقوقی یونان نیز همین باور دیده می‌شود (Georgiadis, 1996, p.57).

د) در راستای همین باور، حتی آن دسته از نظام‌های حقوقی که گرفتن تصویر بدون نیاز به جلب رضایت را تأیید می‌کردند نیز مجبور شدند رویکرد خود را تعدیل کنند. برای نمونه، حقوق دانان کشور استرالیا بر این باورند که می‌توان از مقررات دیگر این نظام حقوقی برای حق تصویر استفاده کرد. در همین راستا، به‌ویژه به ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر استناد می‌شود. به‌موجب این ماده: «هر کس از حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی، خانه و مراسلات خود برخوردار است». بر همین اساس، گرفتن تصویر از دیگری در صورتی که از طریق ورود به حریم خصوصی وی صورت بگیرد، ممنوع است (Brüggemeier, op. cit, p.375). همچنین در انگلستان، پس از لازم‌الاجرا شدن قانون حقوق بشر مصوب ۱۹۸۸م، موقعیت اخیر یعنی جایی که شخص تلاش می‌کند تا دیگران را از گرفتن تصویرش منع کند، به نحو متفاوتی قضاوت می‌شود (Shelley Films Limited v. Rex Features Limited [1994]). در این نظام حقوقی، صرف عکس‌برداری از دیگری می‌تواند به خاطر تخلف از محرمانگی ممنوع باشد. تخلف از محرمانگی معمولاً زمانی اتفاق می‌افتد که اطلاعات یک شخص در محیط خصوصی و شخصی‌اش به‌دست آمده، اما در موارد استثنایی، حتی درجایی که اطلاعات در مکان‌های عمومی و قابل دسترس نیز به‌دست آید،

این عنوان قابل تحقق است؛ به شرط آنکه انتظار معقولی برای رعایت حریم خصوصی وجود داشته باشد (westkamp, 2009, p.12).

مصادیق استثنای اصل لزوم أخذ اجازه

در بند پیشین دیدیم که برای پاسداشت حق شخص بر تصویر خویش، باید اصل را بر لزوم أخذ رضایت از وی گذاشت. پس برای گرفتن عکس از دیگری و یا برای انتشار آن باید از وی اجازه گرفت. باین حال، این قاعده نیز همچون دیگر قواعد حقوقی، بی استثنا نمانده است؛ چنان که نظام‌های حقوقی با پاره‌ای اختلاف نظرها به این نتیجه رسیده‌اند که در برخی موارد می‌توان بدون نیاز به جلب رضایت شخص از او عکس گرفت یا عکس گرفته شده را منتشر کرد. در بند پیش‌رو، به بررسی این موارد استثنایی خواهیم پرداخت. باین همه، باید به یاد داشت که امکان گرفتن تصویر و انتشار آن در موارد مورد بحث به معنای تجویز استفاده از تصاویر در هر مسیر و شکلی نیست؛ به بیان دیگر، در عین حال که می‌توان در این موارد از تصویر شخص استفاده کرد، اما این استفاده نیز تابع قواعدی است.

۱. عدم امکان تشخیص هویت شخص در تصویر

در برخی موارد با آنکه از شخص تصویر گرفته شده، اما به دلیلی (مانند کوچک بودن تصویر شخص یا قرارگیری شخص در میان جمعیت) هویت شخصی که موضوع تصویربرداری بوده است، قابل تشخیص نیست. آیا در این فرض نیز به جلب رضایت شخص یاد شده نیاز است؟ آیا او می‌تواند ادعا کند که با گرفتن یا انتشار چنین تصویری، حق وی بر تصویرش نقض شده است؟ به نظر می‌رسد در این فرض که هویت شخص قابل تشخیص نیست، ورود زیان به وی منتفی باشد؛ چه وقتی شخصیت فرد قابل تشخیص نیست، چگونه می‌توان تصور کرد که حقوق وی نسبت به شخصیتش نقض شده است. این موضوع در قالب یک پرونده در ۱۹۹۳م در کشور فرانسه مطرح شد: دو زن به صورت جداگانه دو دعوا علیه یک عکاس مشهور اقامه کردند. آن‌ها مدعی بودند که دختر جوانی که در یکی از عکس‌های گرفته شده از سوی عکاس دیده می‌شود، تصویر آن‌هاست. دادگاه به نفع آن‌ها تصمیم نگرفت، زیرا بر این باور بود که ویژگی‌های ظاهری هیچ‌یک از دو زن در تصویر قابل تشخیص نیست. (Tribunal de grande instance de Paris, Françoise Bornet v. R. Doisneau Epoux Lavergne v. R. Doisneau; June 2, 1993)

این رأی از طرف دادگاه تجدیدنظر پاریس در ۱۰ دسامبر ۱۹۹۶ تأیید شد. افزون بر این، حتی می‌توان گفت که اگر از تصویر کودکی شخصی که اینک در سنین بزرگسالی قرار دارد،

استفاده شود، او نمی‌تواند مدعی شود که حقوقش نقض شده است؛ چراکه با توجه به تغییرات چهره، هیچ‌کس از عکس دوران کودکی نمی‌تواند پی به هویت کنونی فرد ببرد (Tatiana, 2014, p.181-207). با این حال، اطلاق این باور به این شکل محل تردید است، زیرا نمی‌توان امکان تشخیص هویت فرد از عکس دوران کودکی‌اش را به صورت مطلق رد کرد؛ چنان‌که برخی از ویژگی‌های صورت با وجود گذشت عمر، از دوران کودکی فرد پابرجا می‌مانند. این باور را در دیگر کشورها نیز می‌توان دید. برای نمونه، در رومانی در صورتی که شخص در میان جمعیت و جزئی از آن باشد و هویتش قابل تشخیص نباشد، نیازی به جلب رضایتش برای تصویربرداری و یا انتشار تصویر نیست (Marilena, 2012, p.458-461). همچنین، بر اساس بند ۳۳۴۴ قانون مدنی کالیفرنیا، استفاده از تصویر دیگری تنها در فرضی که «هویت شخص قابل تشخیص باشد» ممنوع است (Lauterbach, 2005, p.12).

۲. عکس‌برداری در مکان‌های عمومی

الف) مکان عمومی مکانی است که هر کسی می‌تواند به آن بدون نیاز به اخذ رضایت یا مجوز خاص، دسترسی داشته باشد؛ مانند پارک‌ها، خیابان‌ها و... . طبیعی است که هر مکان عمومی ممکن است از حیث شرایطی خاص مانند جدول زمانی محدودیت‌هایی داشته باشد، اما این شرایط مانع عمومی محسوب شدن آن نخواهد بود (Levasseur, 1994, p.65). در برخی از نظام‌های حقوقی، می‌توان در چنین مکان‌هایی اقدام به تصویربرداری کرد. در این مسیر، اگر از اشخاص حاضر در آن مکان تصویری گرفته شود، نیازی به اخذ رضایت آن‌ها نیست. برای نمونه، در نظام حقوقی کشور فرانسه تصویربرداری در محل عمومی مانند خیابان و حتی انتشار آن بدون رضایت شخص نیز مجاز است؛ به این دلیل ساده که به‌دست آوردن رضایت همه اشخاصی که در یک مکان عمومی حاضر بوده و در تصویر جای گرفته‌اند، در عمل دشوار است. بر همین مبنا، شخص باید از نظر لوازم زندگی اجتماعی و ضرورت‌های زندگی جمعی بپذیرد که ممکن است از وی درحالی که در مکانی عمومی قرار گرفته، تصویر گرفته شود بی‌آنکه نیازی به رضایت وی باشد. رویه قضایی این کشور نیز بر همین اساس تصمیم گرفته است. برای نمونه، در رأی دادگاه تجدیدنظر پاریس چنین آمده است: «هر شخصی می‌تواند اتفاق‌هایی که در یک مکان عمومی رخ دهد را ببیند، بر همین اساس، هر کسی می‌تواند علی‌الاصول این صحنه‌ها را بدون نیاز به رضایت اشخاصی که در آن مکان هستند، ضبط یا بازتولید کند» (La cour d'appel de Paris, 13 Mar. 1986, Brüggemeier, 2010, p.375). اگرچه این استدلال قابل نقد است که دیدن یک صحنه با ضبط آن، دو رویداد کاملاً متفاوت‌اند؛ یکی ناپایدار است و دیگری مانا، پس نمی‌توان حکم یکی را به دیگری سرایت داد. با این حال، باور به پذیرش امکان

تصویربرداری از مکان‌های عمومی به دیگر کشورهای اروپایی نیز گسترش یافته است. برای نمونه، در حقوق بلژیک بر این باورند که حق تصویر در مورد اشخاصی که در مکان عمومی حضور دارند، قابل اجرا نیست؛ چراکه رضایت آن‌ها مفروض است، به‌علاوه، هدف از تصویربرداری استفاده از آن به‌منظور شرح یک موقعیت است (helling, op. cit, p.26). در حقوق فنلاند، اگر تصویربرداری در محیط عمومی و تحت شرایط عادی انجام شود، هیچ مقرره‌ای دال بر ممنوعیت عکس‌برداری وجود ندارد؛ به این معنا که اگر تصویر در یک خیابان در یک پارک یا در یک بازار عمومی گرفته شود، عکاس مکلف نیست تا رضایت اشخاص حاضر در مکان‌های یادشده را به‌دست آورد (Korkeamäki, 2003, p.105). حقوق سوئیس نیز همین گونه است (Tercier, 1984, n. 472).

ب) باین حال، این دغدغه همیشه وجود داشته است که لزوماً حضور در یک مکان عمومی نباید سبب شود تا حقوق شخص کنار گذاشته شود. برای نمونه، در رأی از دادگاه‌های پاریس چنین آمده است: «گرفته شدن تصویر در یک خیابان عمومی به معنای نادیده گرفتن حق شخص برای حمایت از تصویرش نیست» (Tribunal de grande instance de Paris, 3 May 2002). برای همین، نظام حقوقی فرانسه شرط مهمی را برای عدم نیاز به جلب رضایت شخص یا اشخاصی که در یک مکان عمومی از آن‌ها تصویربرداری می‌شود، لازم دانست و آن این بود که تصویر نباید بر روی شخص تمرکز داشته باشد. بر اساس این رویه، باید اثبات شود که هدف، تصویربرداری از خود شخص نبوده و حضور وی در تصویر فقط یک تصادف بوده است. در نبود این ضابطه، شخص می‌تواند درخواست کند که تصویر وی به نحوی منتشر شود که تشخیص هویت وی غیرممکن گردد. دادگاه‌های فرانسه، انتشار تصویر یک زن روسپی را که در خیابان عمومی گرفته شده منع می‌کنند؛ به این دلیل که چهره وی قابل تشخیص بوده است (Brüggemeier, op. cit, p.375) یا تصویر یک گردشگر که در جلوی برج پیزا گرفته شده بر این مبنا که شخص یادشده تنها یک نقش تصادفی در این صحنه نداشته است (Cour d'appel de Paris, 26 Mar. 1965). به همین شکل، دادگاه‌های فرانسه تصویربرداری از یک شخص در کنیسه را محکوم کرده‌اند؛ به این دلیل که تمرکز اصلی بر چهره شخص بوده (Cour d'appel de Paris, 11 Feb. 1987). و یا تصویر یک بچه که در جشنواره‌ای شرکت می‌کرده، به این دلیل که تصویر وی جدا از خود واقع گرفته شده است (Cour de cassation 1ère chambre civile, 12 Dec. 2000). بر اساس حقوق آلمان نیز تصویر اشخاص در مکان‌های عمومی می‌تواند بدون رضایت شخص نیز گرفته شود؛ البته اگر تمرکز تصویر بر روی خود مکان باشد (lauterbach, Thorsten, op. cit, p.12). در حقوق ایتالیا، اگر تصویر بر روی خود شخص و نه بر مکان یا واقعه متمرکز باشد، نیاز است که رضایت قبلی وی به‌دست آورده شود (Guido).

(1997, P.12) برای مثال، در یک پرونده چنین تصمیم گرفته شده که انتشار عکس یک زن متأهل نشسته در کنار مرد دیگری غیر از همسرش در یک مسابقه، غیرقانونی است؛ البته اگر تصویر بر روی خود شخص متمرکز باشد، در غیر این صورت، انتشار آن حتی بدون رضایت فرد قانونی است (Cass. 15 Mar. 1986 no. 1763).

ج) برخی دیگر از نظام‌های حقوقی تلاش کرده‌اند با ارزش‌های دیگری نظیر حریم خصوصی، آزادی تصویربرداری در مکان‌های عمومی را محدود کنند. بر اساس این باور، حریم خصوصی تنها ویژه مکان‌های خصوصی نیست و ممکن است شخص در مکانی عمومی نیز در حریم خصوصی خویش باشد. پس نمی‌توان به بهانه عمومی بودن یک مکان، حریم خصوصی اشخاص حاضر در آن مکان را نادیده گرفت. برای نمونه، در پرتغال شخص نباید حریم خصوصی‌اش را تنها به دلیل اینکه در مکانی عمومی است، از دست بدهد، و تصویربرداری در یک مکان عمومی در اوضاع و احوالی خاص ممکن است به حریم خصوصی شخص آسیب بزند (Brüggemeier, op. cit. p.375). به نظر می‌رسد این باور صحیح‌تر بوده، بیشتر از منافع شخص حمایت می‌کند، زیرا حریم خصوصی جایی است که شخص توقع و انتظاری مشروع دارد تا دیگران به خلوت وی احترام بگذارند؛ برای همین نباید لزوماً این توقع را به مکان‌های خصوصی محدود کرد.

د) در حقوق فنلاند شرط دیگری قائل شده‌اند. در این نظام حقوقی، علی‌الاصول تصویر گرفته‌شده از یک شخص عادی در یک محیط عمومی می‌تواند بدون نیاز به رضایت وی گرفته شود، با این حال، اگر تصویر گرفته‌شده در محیط عمومی، شخص را در حالتی تحقیرکننده یا زشت نشان دهد، تصویربرداری غیرقانونی خواهد بود. در ایتالیا اگر تصویر زنی که در حال کار در خیابان است گرفته شود، اتفاقی غیرقانونی رخ داده است؛ چراکه کرامت انسانی این زن نقض شده است. در حالی که ممکن است عکس‌برداری از شخصی که در یک کلوپ شبانه در حال رقصیدن است، در یک مقاله درباره وضعیت شهر در شب غیرقانونی نباشد (Court of Rome, 6 Feb. 1993). در فرانسه نیز همین باور پذیرفته شده است (Logeais, op. cit, p.517).

ه) باید به یاد داشت که اجازه تصویربرداری در محیط عمومی به معنای امکان استفاده تجاری از تصویر نیست. برای نمونه، در فرانسه در سال ۱۹۷۳ م تصویر یک مجری که در هنگام افتتاح یک فروشگاه زنجیره‌ای گرفته شده بود، در یک روزنامه محلی منتشر و سپس در آگهی‌های بعدی فروشگاه تکثیر گردید. هم روزنامه و هم فروشگاه استدلال کردند که تصویر در یک مکان عمومی هنگام یک فعالیت عمومی که دارای ارزش خبری است، گرفته شده و نیز مجری مانع عکس‌برداری نشده است و در تصویر هم او در یک حالت ناخوشایند نشان داده نمی‌شود. دادگاه چنین استدلال کرد که اگر رضایت صریح اشخاص در همه جا و همیشه لازم باشد، در این صورت، انتشار هرگونه گزارش خبری با تصویر مردمانی که در یک محیط حاضر

هستند، امکان‌پذیر نخواهد بود. باین‌حال، چنین استدلال کرد که در چنین مواردی، شخص تنها در حالتی محق به اخذ غرامت خواهد بود که از تصویر برای اهداف تجاری استفاده شود؛ به‌گونه‌ای که بتوان این‌گونه استنباط کرد که شخص استفاده تجاری از تصویرش را در مقابل حق‌الزحمه یا به صورت مجانی تأیید کرده است (Tribunal de grande instance de Nancy, June 8, 1973, *ibid*, p.517).

۳. تصویر اشخاص مشهور

الف) اشخاص مشهور کسانی هستند که مورد توجه افکار عمومی‌اند، به‌نحوی که مردم دوست دارند تا از کوچک‌ترین رفتار آن‌ها آگاه باشند (helling, op. cit., p.26). این افراد می‌توانند شامل سیاستمداران، ورزشکاران، هنرمندان، مدل‌ها و... باشند (Civil court Bruges 27 Jun. 1994). در عین حال، باید به یاد داشت که شهرت مانند یک طیف رنگ است؛ برخی شهرت اندکی دارند و برخی بیشتر (biene, 2005, p.15). به‌علاوه، از لحاظ زمانی نیز شهرت اشخاص مشهور با یکدیگر تفاوت دارد؛ چنان‌که در نظام حقوقی آلمان، اشخاص مشهور به دو دسته مطلق و نسبی تقسیم می‌شوند. اشخاص مطلقاً مشهور کسانی هستند که نه به صورت موقت که به شکل دائمی شناخته شده‌اند. شهرت آن‌ها ناظر به یک اتفاق خاص و به صورت موردی نیست. در کنار این دسته، گروه دیگری از اشخاص، تنها برای یک دوره زمانی محدود و در خصوص یک واقعه تاریخی مشخص، جزء اشخاص مشهور قلمداد می‌شوند. برای نمونه، خویشاوندان مقامات عمومی یا مجرمان، اشخاص نسبتاً مشهور هستند. تفاوت این دو دسته در این نظام حقوقی در آن است که گرفتن و انتشار تصاویر افراد نسبتاً مشهور، تنها درباره اتفاقی که به سبب آن مشهور شده‌اند، ممکن است (Klink, 2003, p.377).

ب) مردم همیشه تمایل داشته و دارند تا از زندگی اشخاص مشهور باخبر باشند. برای همین، دوست دارند که از آن‌ها تصویر بگیرند، تصاویر را به یادگار نگه دارند و به دیگران نشان دهند. هرچه این تصاویر از حریم خصوصی اشخاص مشهور بیشتر پرده بر دارد، به همان اندازه، به جذابیت تصویر افزوده خواهد شد (gervais, 2003, p.363). معمولاً نظام‌های حقوقی شاید به دلیل همین گرایش مردمان عادی است که برای این اشخاص، حریم خصوصی محدودتری از اشخاص عادی قائل‌اند. در نتیجه، این رویکرد سبب شده است تا حق آن‌ها نسبت به تصاویرشان نیز محدودتر شود. برای نمونه، در پرتغال حق بر تصویر به‌طور صریح در ماده ۷۹ قانون مدنی درج شده است. بر اساس این مقرره، تصویر شخص نباید بدون رضایت او به نمایش عموم گذاشته شود. باین‌حال، در صورتی که شخص موضوع تصویربرداری شهرت قابل توجهی داشته باشد یا از نقش یا موقعیت اجتماعی برخوردار باشد، تصویربرداری

و نمایش عمومی تصویر وی حتی بدون أخذ رضایتش مجاز است (Patrick O'Callaghan, op. cit, p.375).

ج) برخی از نظام‌های حقوقی امکان تصویربرداری از اشخاص مشهور را به‌گونه‌ای به اراده خود این اشخاص منسوب می‌کنند؛ برای نمونه در حقوق آمریکا خود شخص عمدتاً در صدد کسب شهرت برای خویش است، برای همین به‌سختی می‌توان همچنان بر وجود حریم خصوصی برای وی پافشاری کرد (helling, op. cit, p.26). همچنین در همین نظام حقوقی، اشخاص مشهور زندگی خویش را وقف عموم می‌کنند، برای همین می‌توان گفت که از حق خود نسبت به حریم خصوصی گذشته کرده‌اند (I. Blackshaw, 2005, p.2)؛ برای نمونه در آمریکا، یک فوتبالیست مشهور که از تصویرش بدون اجازه در یک تقویم به‌منظور تبلیغ یک نوع از مشروبات الکلی استفاده شده بود، طرح دعوا کرد، اما دادگاه به لزوم جبران زیان اعتقادی نداشت. دادگاه بر این باور بود که خواهان، حق خویش را بر حریم خصوصی‌اش با شهرتی که به‌دست آورده، از دست داده است (O'Brien v. Pabst Sales Co- 1941, balcarczyk, justyna, 2010, p.35). در حقوق یونان، احترام به آزادی شخص و حق اساسی توسعه آزادی شخصیت، به این معناست که هر شخصی آزاد است تا تصمیم بگیرد که کدام جنبه از شخصیتش باید برای اشخاص ثالث آشکار شود و اینکه بتواند انتخاب کند تا کدام تصویرش به عموم جامعه ارائه شود. با این حال، این حق نیز تابع شرایط خاص خویش است. برای مثال، اشخاص باید قبول کنند تا متناسب با روش زندگی‌شان که خود انتخاب کرده‌اند، حق یادشده تابع برخی استثناها باشد. بنابراین، شخصی که انتخاب کرده تا در یک واقعه عمومی مشارکت کند یا خویش را به عموم عرضه کند، درجه‌ای از نقض حریم خصوصی‌اش را پذیرفته است (Karakostas, 2000, p.58).

د) اگرچه شهرت معمولاً با تلاش خود شخص، با خرج کردن وقت و سرمایه به‌دست آورده می‌شود، اما همیشه این‌گونه نیست (Claire, 2004, p.1249). گاهی بی‌آنکه بخواهیم به صورت کاملاً ناخواسته مشهور می‌شویم؛ گاه از سر خوش‌شانسی و گاه از سر بدشانسی. پس خیلی نمی‌توان کسب شهرت را به اراده شخص منتسب کرد. برای همین، همچنان که در رأی یکی از دادگاه‌های تجدیدنظر فرانسه آمده است، بر این باوریم که «این واقعیت که شخص برای عموم شناخته‌شده و مشهور باشد، به این معنا نیست که از حق خویش نسبت به تصویرش اعراض کرده است» (court of appeal Aix-en-Provence 30 Nov. 2001). بنابراین، نمی‌توان به آسانی تصویربرداری از اشخاص مشهور را به اراده خود این اشخاص منتسب کرد. در نتیجه باید به دنبال مبنای دیگری گشت. به‌نظر می‌رسد مبنای این امکان، بیشتر به حق عموم در آگاهی یافتن از زندگی این اشخاص بر می‌گردد (Wyman, 2014, p.167)؛ برای نمونه، در فلاند حریم

خصوصی اشخاص مشهور محدودتر است، چراکه مردمان عادی حق دارند درباره آن‌ها بدانند. برای همین، اشخاص آزادی بیشتری در تصویربرداری از افراد مشهور خواهند داشت؛ برای مثال، اگر تصویر یک سیاستمدار یا یک شخص مشهور دیگر در حال مستی گرفته و منتشر شود، عمل غیرقانونی انجام نشده است، چراکه مردم حقی مشروع در دانستن چنین اتفاقاتی دارند. (decision 3107/IL/02 of the Finnish Council for Mass Media and Vuortama, Journalisti 15/1999, www.journalistiliitto.fi /journalisti/arkisto/1599/ala/alakerta.htm (9 Jun. 2003) p.134)

در حقوق آلمان به‌طور سنتی، دادگاه‌ها و نویسندگان این کشور از تصاویر اشخاص مشهور به‌عنوان بخشی از تاریخ معاصر یاد می‌کنند. با توجه به اهمیت آگاهی اعضای کنونی جامعه و نیز آیندگان از تاریخ، بر این باورند که گرفتن تصویر از اشخاص مشهور و انتشار آن‌ها ممنوعیتی ندارد. در واقع در این نظام حقوقی، اشخاص مشهور بخشی از زندگی عمومی هستند. آن‌ها باید قبول کنند که جامعه در دسترسی به تصاویرشان نفعی مشروع دارد (Lauterbach, 2005, p.12). در حقوق سوئیس نیز به حق عموم در آگاهی از فعالیت‌های شهروندان استناد می‌شود (Tercier, 1984, n. 472).

در حقوق ایتالیا بر اساس ماده ۹۷ قانون کپی‌رایت، در فرضی که شخص یک مقام مشهور (به دلیل عمومی بودن یا برجسته بودن) باشد، نیازی به اخذ اجازه وی برای تصویربرداری و یا انتشار آن نیست (Court of Rome 12 Mar. 2004). در این نظام حقوقی اگر شخص مشهور باشد، احتمال بیشتری می‌رود که مردم در دانستن اطلاعات درباره او منافع مشروع داشته باشند؛ برای مثال، اگر تصویر یک ورزشکار در حالت رقص در ایستگاه انتظار هواپیما، در ساحل دریا یا در رستوران گرفته شود، انتشار آن قانونی است. اگر او مشهور نباشد، ماجرا متفاوت خواهد بود (Tribunal Napoli 19 May 1989, Martuccelli, 1999, p.654). دیوان عالی این کشور نیز در رأی شماره ۴۷۸۵ به سال ۱۹۹۱ م همین موضع را تأیید کرده است.

ه) برخی از نظام‌های حقوقی از لحاظ ثبوتی میان اشخاص مشهور و غیر آن‌ها در لزوم اخذ رضایت فرقی نمی‌بینند، بلکه تفاوت را تنها از لحاظ اثباتی بررسی می‌کنند؛ برای نمونه، بر اساس حقوق بلژیک، هر شخصی نسبت به تصویرش حق انحصاری دارد. استفاده، بازتولید و انتشار تصویر شخص تنها در فرضی مجاز است که او رضایت داده باشد. این اصل هم در مورد اشخاص مشهور اعمال می‌شود و هم در خصوص اشخاص عادی. باین‌حال، رضایت اشخاص مشهور ممکن است آسان‌تر از اشخاص معمولی فرض گرفته شود (Civil court Bruges 27 Jun. 1994).

و) باین‌همه، آزادی اشخاص در تصویربرداری از اشخاص مشهور مطلق نیست. در واقع، نظام‌های حقوقی تلاش کرده‌اند تا بر آزادی یادشده قیدهایی بگذارند؛ برای نمونه، اشخاص مشهور نیز همانند اشخاص عادی حق دارند تا حریم خصوصی‌شان در معرض حمایت باشد

(Reiter, 2001, p.673)؛ در نتیجه، از نظر حریم خصوصی، علی‌القاعده باید از حمایتی یکسان با اشخاص عادی برخوردار باشند. برای همین نباید به بهانه آگاهی یافتن از وضعیت زندگی این اشخاص، وارد حریم خصوصی آن‌ها شد. در استرالیا دیوان عالی کشور در یک پرونده در سال ۱۹۹۷م اعلام داشت که حتی اشخاص مشهور نیز نسبت به حریم خصوصی و محرمانه‌شان محق هستند (Brüggemeier, op. cit, p.375)؛ برای همین هم اگر شخص در حریم خصوصی اش باشد، تصویربرداری از او تجاوز به حریم خصوصی اش شمرده می‌شود (Massey, 2003, p.5) در حقوق بلژیک هم اشخاص مشهور نیز نسبت به حریم خصوصی شان حق دارند (Ibid, p.388). در حقوق فرانسه، اشخاص مشهور و ناشناخته از حیث حمایت از حریم خصوصی با یکدیگر تفاوتی ندارند، تفاوت فقط در فعالیت‌های مرتبط با زندگی حرفه‌ای و عمومی است. آن‌ها در این فعالیت‌ها دیگر همانند اشخاص عادی حریم خصوصی نخواهند داشت، اما در فعالیت‌های مربوط به زندگی خصوصی همانند اشخاص عادی خواهند بود (Hauch, 1994, p.125). در سوئیس، تصویربرداری از اشخاص مشهور در حال انجام یک فعالیت عمومی مجاز است، چراکه نفع عمومی در این است که اعضای جامعه از فعالیت مقامات عمومی باخبر باشند. باین حال، اگر شخص مشهور قصد جلب توجه نداشته باشد و واقعاً در پی دوری از توجه رسانه‌ها باشد، گرفتن عکس از او نقض حقوقش خواهد بود. فعالیت‌هایی با قصد اجتناب از توجه رسانه‌ها، حتی آن دسته از فعالیت‌ها که در عموم جامعه رخ دهد، متعلق به حوزه خصوصی است (Tercier, 1984, n. 472). دیوان اروپایی حقوق بشر نیز با صدور رأی در یک قضیه مشهور (von hannover v. Germany) بر این رویکرد صحنه گذاشت؛ چنان‌که این دیوان با این استدلال که «هر شخصی شامل افراد مشهور، انتظار مشروعی دارد تا زندگی خصوصی اش مورد احترام باشد»، حریم خصوصی را برای این اشخاص هم پذیرفت. (Von hannover v. Germany- european court of human rights- 24.6.2004- <http://hudoc.echr.coe.int/eng-press#%22itemid%22:%22003-1036787-1072690%22>).

ز) به علاوه، حتی اگر شخص مشهور در حریم خصوصی اش نیز نباشد، اما انتشار تصویر سبب آسیب به شهرت و کرامت شخص شود، نمی‌توان تصویر وی را به‌نمایش گذاشت. نظام حقوقی ایتالیا نیز این چنین است (Blackshaw, 2005, p.270). در حقوق آلمان نیز باور بر این است که نباید تصاویر اشخاص مشهور سبب توهین به شخصیت فرد شود. در واقع، اگر شخص در این تصاویر در موقعیت نادرستی نشان داده شود، به‌نحوی که سبب تحقیر شخصیت وی گردد، نمی‌توان عکس وی را منتشر کرد (lauterbach, 2005, p.12).

ح) افزون بر این دو قید، نمی‌توان از تصویر اشخاص مشهور برای امور تجاری استفاده کرد؛ برای نمونه، در نظام حقوقی آلمان، استفاده تجاری از تصویر اشخاص مشهور نشان می‌دهد که

استفاده‌کننده هدفی غیر از جلب منافع عمومی داشته است (lauterbach, 2005, p.12) و برای همین نمی‌توان عملش را همچنان مباح دانست. برای نمونه، یکی از بازیکنان تیم فوتبال آلمان به دلیل استفاده بدون رضایت از تصویرش در یک بازی کامپیوتری (FIFA Soccer Championship 2002) شکایت کرد. دادگاه تجدیدنظر هامبورگ اعلام کرد که استفاده از نام و تصویر خواهان بدون رضایت قبلی اش غیرقانونی است. دادگاه اعلام کرد که اگرچه شخصی که در معرض دید عموم است، باید بپذیرد که از تصویرش ممکن است برای منافع عمومی استفاده شود، اما مطمئناً درجایی که منفعت مشروعش به خطر می‌افتد، می‌تواند جلوی انتشار تصویرش را بگیرد؛ از جمله درجایی که از تصویرش برای اهداف مالی استفاده می‌شود. برای همین، نه تنها جلوی انتشار تصویر گرفته شد، بلکه خواننده مکلف شد مبلغی در حدود پانصد هزار یورو پرداخت کند. (Kahn (Thorsten, 2005, p.12. -v Electronic Arts GmbH 13 January 2004).

در یک پرونده در کشور ایتالیا، خواهان از خواننده به دلیل تولید و توزیع کالاهایی که تصویر خواهان بر روی آن‌ها نقش بسته بود، شکایت کرد. خواننده تلاش کرد تا اقدامش را در راستای اطلاع‌رسانی توجیه کند. دادگاه میلان در ۷ جولای ۱۹۹۹، چنین اعلام کرد که ماده ۹۷ قانون مالکیت فکری تنها برای استفاده از تصویر اشخاص به قصد اطلاع‌رسانی اجازه داده و مطمئناً این امر با استفاده از تصویر اشخاص برای کسب سود کاملاً متفاوت است. در این پرونده، تصویر خواهان برای ترویج و فروش کالاهای مورد استفاده قرار گرفته بود، بدون آنکه هیچ‌گونه اطلاع‌رسانی انجام گیرد (I. Blackshaw, 2005, p.195).

مبنای استثنای اصل لزوم أخذ اجازه؛ حق دسترسی به اطلاعات

الف) در بند پیشین تلاش شد تا مصادیق استثنای لزوم أخذ اجازه بررسی شود. به نظر می‌رسد مبنای استثنای نخست یعنی فرضی که هویت شخص قابل تشخیص نباشد، بیشتر به عدم امکان ورود زیان باز می‌گردد؛ زیرا وقتی هویت شخص قابل تشخیص نیست، چگونه می‌توان مدعی بود که به وی آسیب رسیده است. به غیر از این، به نظر می‌رسد دو استثنای دیگر مبنای واحدی داشته باشند و آن، حق دسترسی به اطلاعات است. مردم جامعه حق دارند تا از آنچه در مکان‌های عمومی می‌گذرد و یا از آنچه برای اشخاص مشهور اتفاق می‌افتد، باخبر باشند.

ب) ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به تأمین و ترویج آزادی بیان و اطلاعات می‌پردازد. بر اساس بند ۱ این ماده: «هرکس از حق آزادی بیان برخوردار است. این حق باید شامل آزادی داشتن عقاید و دریافت و بیان اطلاعات و ایده‌ها بدون دخالت مقامات دولتی و بدون در نظر گرفتن مرزبندی‌های جغرافیایی باشد...». با توجه به این ماده، حقوق‌دانان کشورهای مختلف پذیرفته‌اند که اگر تصاویر اشخاص ارزش خبری داشته باشد، می‌توان از آن‌ها

تصویر گرفت یا تصویر گرفته شده را منتشر کرد، بدون آنکه نیازی به جلب رضایت آن‌ها باشد (Logeais, op. cit, p.517)؛ برای نمونه، اگر شخص در مکانی که یک تظاهرات یا سخنرانی رخ می‌دهد، قرار داشته باشد، می‌توان از او عکس گرفت یا تصویرش را منتشر کرد، چراکه این اقدام در راستای حق شهروندان برای تحصیل اطلاعات و نیز حق اشخاص و به‌ویژه مطبوعات برای اطلاع‌رسانی قابل توجیه است (Kadri, 2014, p.5; Wassomt, 2013, p.228).

این استثنا در برخی از ایالت‌های امریکا نیز دیده می‌شود؛ برای نمونه، بر اساس بند ۳۳۴۴ قانون مدنی کالیفرنیا، استفاده تجاری از تصویر دیگری ممنوع است. حقوق دانان از مفاد این بند این‌گونه استنباط کرده‌اند که استفاده از تصویر اشخاص با هدف اطلاع‌رسانی که غیرتجاری شمرده می‌شود، مجاز است (Lauterbach, 2005, p.12). تقریباً بیشتر کشورهای اروپایی نیز این استثنا را پذیرفته‌اند. برای نمونه، در حقوق فرانسه بر اساس رویه قضایی، شخصی که در یک واقعه که نفع عمومی در آگاهی از آن وجود دارد، حضور یابد، حمایت کامل از حق خویش بر تصویرش را از دست می‌دهد؛ بر همین اساس نیز دادگاه‌ها بر پایه الزامات یک جامعه دموکراتیک با هدف اطلاع‌رسانی، انتشار تصاویر اشخاص را مجاز می‌دانند (La cour d'appel de Paris, Mar. 11, 1991). این استثنا از سوی دادگاه پاریس در پرونده‌ای که مربوط به انتشار تصاویر گرفته شده از یک حمله با بمب در یک ایستگاه مترو بود، پذیرفته شده است (Tribunal de grande instance de Paris, 10, Sept.1996).

در حقوق ایتالیا نیز اگر تصویر به یک واقعه عمومی یا به مسئله‌ای که به نفع عمومی بر می‌گردد، مربوط باشد، انتشار تصویر قانونی است (Court of Rome, 12 Mar. 2004). در بلژیک در پرونده معروف به «دوتروکس» (Dutroux)، تصاویر دو دختر که دزدیده و سپس کشته شده بودند، در یک کتاب بدون رضایت والدین آن‌ها منتشر شده بود و این در حالی بود که والدین دختران در یک بیانیه مطبوعاتی اعلام کرده بودند که با انتشار تصاویر مخالف‌اند. آن‌ها به این باور که حقشان نسبت به حریم خصوصی نقض شده است، طرح دعوا کردند. دادگاه با نظر اینان موافق نبود، زیرا باور داشت حق عمومی در تحصیل اطلاعات مرتبط با منافع عمومی جامعه بر حق اشخاص نسبت به تصویر ترجیح دارد (Brüggemeier, op. cit, p.375).

ج) با این حال، آزادی اشخاص در انتشار تصاویر با هدف اطلاع‌رسانی به صورت مطلق نیست، بلکه در مسیر یادشده نیز باید قیودی رعایت شود (Les P. Carnegie, 1998, p.311). چنان‌که دیوان عالی جورجیا در یکی از نخستین آرایه‌ها که در این زمینه صادر کرد، بر این باور بود که وقتی دیگران مجاز باشند در پناه آزادی اطلاعات از تصویر شخصی بدون هیچ‌گونه محدودیتی استفاده کنند، نمی‌توان استرس روحی آن شخص را نادیده گرفت (helling, op. cit, p.26). بر همین اساس، نظام‌های حقوقی مختلف تلاش کرده‌اند تا برای انتشار تصاویر با هدف اطلاع‌رسانی محدودیت‌هایی

قائل شوند؛ برای نمونه، در حقوق ایتالیا، وقتی انتشار عکس شخص به شرافت و شهرت وی آسیب می‌زند، تصویر نمی‌تواند به‌نمایش گذاشته شود یا فروخته شود (Court of Rome 12 Mar. 2004).

د) به این ترتیب، نظام‌های حقوقی مختلف تلاش کرده‌اند همانند حریم خصوصی و شرافت، حقوق خصوصی اشخاص را در برابر حق عموم برای آگاهی یافتن اندازه بگیرند و با توجه به اهمیت بیشتر هریک، آن را بر دیگری ترجیح دهند (Cardonsky, 2002, p.393)؛ برای نمونه، در آلمان حتماً باید حق شخص نسبت به تصویرش در مقابل حق عموم برای آگاهی یافتن بررسی شود (B. Krüger, 1982, p.12). در این بررسی، البته باید منافع موجه شخص در نظر گرفته شود. آنگاه که وارد حریم خصوصی شخص می‌شویم و یا از تصویر وی بهره‌برداری تجاری می‌کنیم، نمی‌توانیم همچنان خود را از جلب رضایت معاف بدانیم (Balcarczyk, 2010, p.327). در دیگر نظام‌های حقوقی مانند رومانی (Peptan, op. cit, P.29)، ایتالیا (Silvio Supreme Martuccelli, 1998, p.54)، سوئیس (BLACKSHAW, 2005, p.26)، یونان (Court Decision 411/2002) و آمریکا نیز (pinckaers, 1997, p.65) همین باور دیده می‌شود.

ه) دیوان اروپایی حقوق بشر نیز از همین رویکرد پیروی کرده است. همان‌گونه که می‌دانیم، بند ۱ ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به آزادی‌های مختلف از جمله «آزادی دریافت و بیان اطلاعات» می‌پردازد، اما بر اساس بند ۲ همین ماده: «اعمال این آزادی‌ها، از آنجا که با خود وظایف و مسئولیت‌هایی را به‌همراه دارند، ممکن است نیازمند تشریفات، شرایط، محدودیت‌ها یا مجازات‌هایی باشند که از سوی قانون مقرر شده و در یک جامعه مردم‌سالار به‌منظور حفظ منافع امنیت ملی، تمامیت ارضی یا ایمنی عمومی جهت ممانعت از ایجاد هرج‌ومرج یا ارتکاب جرایم، حفاظت از سلامتی و اخلاقیات مردم، حمایت از آبرو یا حقوق سایرین، جلوگیری از افشای اطلاعات محرمانه یا حفظ اقتدار و بی‌طرفی دستگاه قضاوت لازم و ضروری هستند». در یک پرونده مشهور، یک شاهزاده آلمانی به نام کارولین فون هانوفر، طی درخواستی از دادگاه‌های آلمان خواسته بود تا جلوی توزیع بیشتر دو سری از عکس‌های او که به زندگی خصوصی‌اش مربوط می‌شد، گرفته شود؛ بر این مبنا که با انتشار این تصاویر، حق او نسبت به زندگی خصوصی و حق وی بر تصویرش نقض می‌شود. درخواست او از دادگاه فدرال در سال ۱۹۹۵م و دادگاه قانون اساسی در سال ۱۹۹۹م به این دلیل که وی شخصی مشهور است و دیگران حق دارند تا درباره‌اش بدانند، به نتیجه نرسید. برای همین، او از دیوان اروپایی درخواست رسیدگی نمود. دیوان اعلام نمود که ماده ۸ کنوانسیون یعنی حرمت حریم خصوصی نقض شده است؛ به این دلیل که دادگاه‌های آلمان اهمیت میان منافع متعارض را نسبت به همدیگر بررسی نکرده بودند. بر اساس استدلال دیوان، درست است که جامعه حق دارد تا بداند و در شرایط خاص حق دارد حتی از زندگی خصوصی اشخاص مشهور باخبر باشد، اما در این پرونده، چنین حقی وجود ندارد،

چراکه عموم نفع مشروعی در دانستن اینکه یک شخص مشهور در زندگی خصوصی اش چگونه رفتار می‌کند، ندارند؛ حتی اگر او در مکان عمومی ظاهر شده و به‌خوبی هم برای مردم شناخته شده باشد. به باور دیوان، حتی اگر این منافع هم وجود داشته باشد، باید میان اهمیت بیشتر آن‌ها و منافع اشخاص نسبت به حریم خصوصی بررسی صورت گیرد (von hannover v. Germany- european court of human rights- 24.6.2004. <http://hudoc.echr.coe.int/eng-press#%22itemid%22:%22003-1036787-1072690%22>)).

و) افزون بر این محدودیت، تصاویر صرفاً می‌باید برای هدف اطلاع‌رسانی منتشر شوند (Tribunal de grande instance de Paris July 3, 1974)؛ در نتیجه، در صورتی که از تصویر استفاده تجاری شود، نمی‌توان به آزادی بیان استناد کرد (Hazel Carty, 2004, p.220). در حقوق امریکا (H. Koziol, 2005, p.85) و استرالیا (Hazel Carty, 2004, p.220; Claire, 2004, p.1440) نیز همین باور وجود دارد.

مسئولیت مدنی ناشی از نقض حق تصویر

در صورتی که تصویر دیگری بدون اجازه وی منتشر شود، بدیهی‌ترین درخواست از دادگاه، قطع انتشار آن است تا با از بین رفتن منبع زیان، جلوی ورود زیان‌های بیشتر گرفته شود (Johnson, 2015, p.537). افزون بر این، می‌توان گیرنده عکس یا منتشرکننده را به عذرخواهی ملزم کرد (Koo, 2006, p.24). اما مسئله اصلی تعیین غرامت مالی است. دشواری تعیین اندازه غرامت تا به اندازه‌ای است که برخی از نویسندگان پیشنهاد می‌کنند تا از نهاد خسارت تنبیهی استفاده شود؛ به این نحو که دادگاه خسارت مقطوعی تعیین و عامل زیان را به پرداخت آن محکوم کند (McKenna, 2005, p.225). باین حال، در فرضی که از تصویر دیگری در تبلیغات تجاری استفاده شود، برخی پیشنهاد می‌کنند تا ارزش منصفانه تجاری تصویر فرد در نظر گرفته شود (stapleton, 1999, p.45)؛ یعنی بررسی شود که در موقعیت مشابه، استفاده‌کننده از تصویر دیگری چه مبالغی باید برای استفاده از تصویر شخص بپردازد (stapleton, 1999, p.45). دیگر نویسندگان، محاسبه خسارت واقعی وارده به جایگاه شخص (Margolies, 1994, p.359) و برخی دیگر، سود مالی استفاده‌کننده (Conteh, 2006, p.23) و گروهی هرکدام از دو معیار یادشده را که بیشتر باشد، مبنا قرار می‌دهند (Wassomt, 2013, p.228).

موضع نظام حقوقی ایران

آیا در نظام حقوقی ما می‌توان از دیگران تصویر گرفت یا تصویر گرفته‌شده را منتشر کرد؟ درباره پرسش نخست به نظر می‌رسد با توجه به نصوص قانونی موجود، ممنوعیتی برای صرف

تصویربرداری از دیگران وجود نداشته باشد. توضیح آنکه بر اساس ماده ۷۲۹ قانون مجازات اسلامی: «هر کس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی صوت یا تصویر یا فیلم خصوصی یا خانوادگی یا اسرار دیگری را بدون رضایت او جز در موارد قانونی منتشر کند یا دسترس دیگران قرار دهد، به نحوی که منجر به ضرر یا عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد». بنابراین، با توجه به این قانون می‌توان گفت که صرف گرفتن عکس از دیگری ممنوعیتی ندارد، بلکه موضوع مهم، انتشار تصویر دیگری است. به علاوه، در صورتی که بتوان تصویر اشخاص را جزء اطلاعات شخصی آن‌ها محسوب کرد، «قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» تنها افشای این گونه اطلاعات را ممنوع دانسته، نه صرف جمع‌آوری آن‌ها را. باین حال، در صورتی که تصویربرداری از دیگران با نقض حریم خصوصی آن‌ها رخ داده باشد، موضوع مشمول ممنوعیت یادشده در اصل ۲۲ ق.ا. خواهد بود. بر اساس این اصل: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند» (برای بررسی بیشتر، ر.ک. انصاری، ۱۳۸۶، ص ۳۸؛ رحمدل، ۱۳۸۴، ص ۱۱۹).

حال به سراغ پرسش دوم می‌رویم: آیا می‌توان تصویر گرفته‌شده را منتشر کرد؟ به نظر می‌رسد در فرضی که انگیزه شخص اطلاع‌رسانی به دیگران باشد و این اتفاق از طریق مطبوعات رخ دهد، می‌توان تصویر دیگران را منتشر کرد. در واقع، به استناد آزادی مطبوعات در بیان مطالب (اصل ۲۴ ق.ا.)، باید اصل را بر جواز انتشار تصاویر دیگران به قصد اطلاع‌رسانی گذاشت. برای همین، در صورتی که اطلاع‌رسانی از طریق انتشار تصاویر دیگران به قصد جلب منافع عمومی انجام گرفته باشد، اصل را باید بر اباحت این اقدام دانست. همچنان که «روشن ساختن افکار عمومی و بالا بردن سطح معلومات و دانش مردم» رسالتی است که به موجب ماده ۲ قانون مطبوعات بر عهده این نوع از رسانه گذاشته شده است؛ به‌ویژه آنکه «کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی که به منظور افزایش آگاهی عمومی و حفظ مصالح جامعه باشد ... حق قانونی مطبوعات است» (ماده ۵ همان قانون). باین حال، این حق، مطلق نیست، بلکه استثنایایی به آن وارد شده است. برای نمونه، نمی‌توان در پناه آزادی بیان، تصاویری منتشر نمود که خلاف عفت عمومی باشد (بند ۱ ماده ۶ و ماده ۲۸ همان قانون) یا آنکه سبب توهین به اشخاص شود (بند ۸ ماده ۶ و ماده ۳۱ همان قانون) و یا آنکه خلاف واقع باشد (بند ۱۱ ماده ۶ همان قانون). همچنین، استفاده تجاری از تصاویر دیگران بدون جلب رضایت آن‌ها می‌تواند مشمول ممنوعیت یادشده در بند ۱۰ ماده پیش‌گفته باشد.

افزون بر این، از «قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» نیز می‌توان بهره گرفت. بر اساس بند «ب» ماده ۱ این قانون: «اطلاعات شخصی: اطلاعات فردی نظیر نام و نام خانوادگی،

نشانی‌های محل سکونت و محل کار، وضعیت زندگی خانوادگی، عادت‌های فردی، ناراحتی‌های جسمی، شماره حساب بانکی و رمز عبور است». در برابر این اطلاعات، اطلاعات عمومی قرار دارد. بر اساس بند «ج» ماده یادشده: «اطلاعات عمومی: اطلاعات غیرشخصی نظیر ضوابط و آیین‌نامه‌ها، آمار و ارقام ملی و رسمی، اسناد و مکاتبات اداری که از مصادیق مستثنیات فصل چهارم این قانون نباشد». با توجه به تعاریف اطلاعات پیش‌گفته و نظر به مصادیق یادشده برای اطلاعات شخصی، در صورتی که تصویر گویای اطلاعات فردی شخص مثل ناراحتی جسمی، محل زندگی، همسر و فرزندان شخص و... باشد، تردیدی نمی‌ماند که تصویر نیز می‌تواند از مصادیق اطلاعات شخصی شمرده شود (helling, op. cit, p.26).

بهرروری، با آنکه «هر شخص ایرانی حق دسترسی به اطلاعات عمومی را دارد...» (ماده ۲ قانون یادشده)، اما بر اساس ماده ۶ قانون مورد بحث: «درخواست دسترسی به اطلاعات شخصی تنها از اشخاص حقیقی که اطلاعات به آنها مربوط می‌گردد یا نماینده قانونی آنان پذیرفته می‌شود». حال، اگر اطلاعات شخصی فرد برخلاف این قانون منتشر شود، بر اساس تبصره ماده ۲۱ این قانون: «اشخاص حقیقی و حقوقی حق دارند که مطابق قواعد عمومی مسوولیت‌های مدنی، جبران خسارت‌های واردشده را مطالبه نمایند». به این ترتیب، در صورتی که تصاویر خصوصی دیگران منتشر شود، می‌تواند موجب طرح دعوی مسوولیت مدنی علیه منتشرکننده گردد (ر.ک. ماده ۵۸ قانون تجارت الکترونیک). به‌علاوه، اگر انتشار تصویر یادشده سبب ورود ضرر یا هتک حیثیت شخص نیز شود، شخص مسوولیت کیفری نیز خواهد داشت. چنان‌که بر اساس ماده ۷۲۹ قانون مجازات اسلامی: «هر کس به‌وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی صوت یا تصویر یا فیلم خصوصی یا خانوادگی یا اسرار دیگری را بدون رضایت او جز در موارد قانونی منتشر کند یا دسترس دیگران قرار دهد، به‌نحوی که منجر به ضرر یا عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد».

با توجه به نکات یادشده، به‌نظر می‌رسد بتوان ماده زیر را برای تصویب به قانون‌گذار پیشنهاد داد:

«۱. هر کس با نقض حریم خصوصی دیگری، از وی تصویربرداری کند به مجازات یادشده در ماده ۷۲۹ قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد.

۲. انتشار تصاویر اشخاص، تنها در فرضی که انگیزه منتشرکننده، اطلاع‌رسانی به جامعه بوده و این اتفاق از طریق مطبوعات رخ داده باشد، مجاز است به شرط آنکه تصویر خلاف نظم عمومی، اخلاق حسنه یا منافع مشروع شخص نباشد.

در صورت نقض بندهای پیش‌گفته، مطالبه خسارت بر مبنای قواعد عمومی مسوولیت مدنی امکان‌پذیر خواهد بود».

نتیجه

حق تصویر به این معناست که اشخاص حق انحصاری نسبت به تصویرشان دارند؛ به این معنا که حق دارند تا با آزادی کامل دربارهٔ تصویر خویش تصمیم بگیرند. این امر هم شامل آزادی برای تصمیم‌گیری در خصوص اصل تصویربرداری و هم چگونگی تصویربرداری می‌شود. به‌علاوه، اشخاص می‌توانند در خصوص انتشار یا عدم انتشار تصویر خویش و نیز استفاده کردن یا نکردن از آن تصمیم بگیرند. کم‌وبیش تمامی نظام‌های حقوقی، اصل را بر این می‌گذارند که انتشار تصاویر دیگران تنها با أخذ رضایت آن‌ها شدنی است، اما زمانی که بحث تنها بر سر تصویربرداری صرف و نه انتشار آن است، میان نظام حقوقی کشورهای مختلف اختلاف عقیده وجود دارد. برخی از کشورها مانند استرالیا و انگلستان بر پایهٔ احترام به آزادی اشخاص بر این باورند که صرف تصویربرداری از یک شخص بدون آنکه تصویر گرفته‌شده را منتشر کنیم، زانی به او وارد نمی‌کند؛ بنابراین، نیازی به جلب رضایتش نخواهد بود. باین‌حال، پایبندی کامل به این باور دشوار است، زیرا همین که اشخاص برای تصویربرداری از دیگران آزاد باشند، آزادی اشخاص موضوع تصویربرداری محدود می‌شود؛ چراکه همیشه نسبت به تصویربرداری از سوی دیگران دغدغه وجود دارد. برای همین، بیشتر کشورها مانند فرانسه، بلژیک و آلمان بر این باورند که نباید بدون رضایت شخص از او عکس گرفته شود. باین‌حال، این قاعده بدون استثنا نمانده است. چنان‌که نظام‌های حقوقی در فرضی که امکان تشخیص هویت شخص در تصویر وجود نداشته باشد، به این باور رسیده‌اند که می‌توان از شخص تصویر گرفت، چه وقتی شخصیت فرد قابل تشخیص نیست، چگونه می‌توان تصور کرد که حقوق وی نسبت به شخصیتش نقض شده است. همچنین، برای عکس‌برداری در مکان‌های عمومی نیز نیازی به جلب رضایت اشخاص حاضر در آن مکان نیست. باین‌حال، این دغدغه همیشه وجود داشته است که لزوماً حضور در یک مکان عمومی نباید سبب شود تا حقوق شخص کنار گذاشته شود. به همین دلیل در برخی کشورها مانند فرانسه تلاش شده است تا با کمک ارزش‌های دیگری نظیر حریم خصوصی، آزادی تصویربرداری در مکان‌های عمومی را محدود کنند. بر اساس این باور، حریم خصوصی تنها ویژهٔ مکان‌های خصوصی نیست و ممکن است شخص در مکانی عمومی نیز در حریم خصوصی خویش باشد. پس نمی‌توان به بهانهٔ عمومی بودن یک مکان، حریم خصوصی اشخاص حاضر در آن مکان را نادیده گرفت. افزون بر این دو استثنا، نظام‌های حقوقی جایز می‌دانند که از اشخاص مشهور حتی بدون اجازهٔ آن‌ها تصویربرداری شود. اشخاص مشهور کسانی هستند که مورد توجه افکار عمومی قرار دارند، به‌نحوی که مردم دوست دارند تا از کوچک‌ترین رفتار آنها نیز آگاه باشند. باین‌حال، آزادی اشخاص در تصویربرداری از اشخاص مشهور هم مطلق نیست. در واقع، نظام‌های حقوقی تلاش کرده‌اند تا بر آزادی یادشده، قیدهایی

بگذارند؛ برای نمونه، اشخاص مشهور نیز همانند اشخاص عادی حق دارند تا حریم خصوصی‌شان در معرض حمایت باشد. در نتیجه، از نظر حریم خصوصی علی‌القاعده باید از حمایتی یکسان با اشخاص عادی برخوردار باشند. برای همین، نباید به بهانه آگاهی یافتن از وضعیت زندگی این اشخاص، وارد حریم خصوصی آن‌ها شد. به همین دلیل، اگر شخص در حریم خصوصی خود باشد، تصویربرداری از او تجاوز به حریم خصوصی‌اش شمرده می‌شود. به علاوه، حتی اگر شخص مشهور در حریم خصوصی خود نیز نباشد، اما انتشار تصویر سبب آسیب به شهرت و کرامت شخص شود، نمی‌توان تصویر وی را به‌نمایش گذاشت.

به‌هرروی، به‌نظر می‌رسد مبنای استثناهای یادشده، حق دسترسی جامعه به اطلاعات باشد. در واقع، مردم جامعه حق دارند تا از آنچه در مکان‌های عمومی می‌گذرد و یا از آنچه برای اشخاص مشهور اتفاق می‌افتد، باخبر باشند. برای همین، می‌توان از این مکان‌ها یا از این اشخاص تصویربرداری کرد.

در نظام حقوقی ما، صرف گرفتن عکس از دیگری ممنوعیتی ندارد، مگر آنجا که تصویربرداری از دیگران با نقض حریم خصوصی رخ داده باشد که در این صورت، موضوع مشمول ممنوعیت یادشده در اصل ۲۲ ق.ا. خواهد بود. همچنین، در فرضی که انگیزه شخص اطلاع‌رسانی به دیگران باشد و این اتفاق از طریق مطبوعات رخ دهد، به استناد آزادی مطبوعات در بیان مطالب (اصل ۲۴ ق.ا.)، باید اصل را بر جواز انتشار تصاویر دیگران به قصد اطلاع‌رسانی گذاشت. باین‌حال، نمی‌توان در پناه آزادی بیان تصاویری منتشر نمود که خلاف عفت عمومی یا سبب توهین به اشخاص شود. همچنین، نمی‌توان تصاویر خصوصی و خانوادگی دیگران را منتشر کرد، چراکه جزء اطلاعات شخصی شمرده می‌شود.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. انصاری، باقر (۱۳۸۶)، حقوق حریم خصوصی، تهران: سمت.
۲. جعفری، فیض‌الله و مختاری، مهرناز (۱۳۹۵)، «مطالعه تطبیقی ماهیت حقوق تصویری ستارگان در تبلیغات تجاری»، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۷، ش ۲، ص ۵۳۲-۵۱۱.
۳. رحمدل، منصور (۱۳۸۴)، حق انسان بر حریم خصوصی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۷۰.

ب) خارجی

4. Balcarczyk, justyna, (2010), "sports image rights – a comparative overview", collected papers of the faculty of law in split, vol. 47, p.35-45.
5. Biene, daniel, (2005), "celebrity culture, individuality, and right of publicity as a european legal", international review of intellectual property and competition law, volume 36, number 5.
6. Blackshaw, ian, (2005), "protecting sports image rights in europe", business law international, vol 6, no 2, p.2-25.
7. Brüggemeier, gert, aurelia colombi ciacchi and patrick o'callaghan, (2010), personality rights in european tort law, cambridge university press, new york.
8. Carnegie, les p., (1998), "privacy and the press: the impact of incorporating the european convention on human rights in the united kingdom", duke journal of comparative & international law, vol9, p.311-345.
- Cardonsky, lauren b., (2002), "towards a meaningful right of privacy in the united kingdom", b.u. Int'l l.j., no.20.
9. Carty, hazel, (2004), "advertising, publicity rights and english law", intellectual property quarterly, issue 3, p.220-240.
10. Claire e. Gorman, (2004), "publicity and privacy rights: evening out the playing field for celebrities and private citizens in the modern game of mass media", depaul law review, vol 53, p.1249-1265.
11. Conteh, abib tejan, (2006), "the right of publicity in sports:athletic and economic competition", depaul j. Sports l. & contemp. Probs, vol3.
12. Georgiadis, stathopoulos, (1996.), civil code: article by article interpretation, athens, p.57-80.
- Gervais, daniel; martin l. Holmes, (2014), "fame, property, and identity: the scope and purpose of the right of publicity", fordham intell. Prop. Media & ent. L.j., vol81.
13. Gendreau, nordemann and oesch, (1999), copyright and photographs, wiltshire, p.251-275.
14. Guido, alpa, the protection of privacy in italian law: case law in a codified legal system, tulane european& civil lawforum , vol12, 1997, p.12-25.
15. Hauch, jeanne m., (1994), "protecting private facts in france: the warren & brandeis tort is alive and well and flourishing in paris", tulane law review, vol 68, p.125-150.
16. Helling, anna e., (2005), protection of "persona" in the eu and in the us: a comparative analysis, a thesis submitted to the graduate faculty of the university of georgia, athens, georgia.
17. Johnson, james a., (2015), "the right of publicity and the student-athlete", elon l. Rev., no.7.
18. Karakostas, (2000) personality and press, athens/komotini, 3rd edn, p.58-70.
19. Kadri, thomas e., (2014), "fumbling the first amendment: the right of publicity goes 2-0 against freedom of expression ", michigan law review, vol. 112.
20. Klink, j., (2003), "50 years of publicity rights in the united states and the never ending hassle with intellectual property and personality rights in europe", i.p.q, vol 4, p.377-395.
- Koo, andrew, (2006), "right of publicity: the right of publicity fair use doctrine -

- adopting a better standard”, *buff. Intell. Prop. L.j.*, no.4.
21. Koziol h. And a. Warzilek, (2005), the protection of personality rights against invasions by mass media, vienna, new york.
 22. Korkeamäki, oesch and taipale, (2003), character merchandising in europe, london.
 23. Krüger, b., (1982), “right of privacy, right of personality and commercial advertising”, *iic*, vol13 , p.12-25.
 24. Lauterbach, thorsten, (2005), “us-style ‘personality’ right in the uk – en route from strasbourg? 20th biletta conference: over-commoditised; over-centralised; over-observed: the new digital legal world?” Queen's university of belfast.
 25. Logeais, elisabeth, jean-baptiste schroeder, (1998), “the french right of image: an ambiguous concept protecting the human persona”, *loyola of los angeles entertainmentlawjournal*, vol.18, p.517-545.
 26. Lévassieur, georges, (1994), “protection de la personne, de l'image et de la vie privie (la voie pinale)”, *gaz. Pal.*
 27. Margolies, alexander, (1994), sports figures' right of publicity, *sports law. J. No.1.*
 28. Marilena manuc, liliana, (2012), “the right to self image: the consent given in the case of reproduction of a person in a photograph, film, drawing, on the internet”, *contemporary readings in law and social justice*, volume 4(2) , p.458-461.
 29. Martuccelli, s., (199۹), “the right of publicity under italian civil law”, *loyola los angeles entertainment law journal*, p.654-680.
 30. Martuccelli, silvio, (1998), “international rights of publicity, the right of publicity under italian civil law”, *loyola of los angeles entertainment law journal*, p.54-70.
 31. Massey; rohan & tauber, kathrin (2003), “privacy and personality, politicians and stars”, *e-law*, vol.1.
 32. Mckenna, mark p., (2005), “the right of publicity and autonomous selfdefinition”, *university of pittsburgh law review*, vol. 67.
 33. Peptan, rodica, (2014), “the right to own image in the new romanian civil code”, *letter and social science series*, issue 2, p.29-45.
 34. Pinckaers, julius c.s., (1997), “the right of persona: a new intellectual property right for the us and eu”, *copyright world*.
 35. Reiter, eric h., (2001), “personality and patrimony: comparative perspectives on the right to one's image”, *tulane law review*, vol. 76, p.673-695.
 - Stapleton, laura lee (1999), “the professional athlete's right of publicity”, *marquette sports law review*, volume 10, issue 1.
 36. Synodinou, tatiana, (2014), “image right and copyright law in europe: divergences and convergences”, *laws*, vol3, p.181–207.
 37. Tercier, p., (1984), *le nouveau droit de la personnalité*, schulthess.
 38. Westkamp, g., (2009), “celebrity rights in the uk after the human rights act: confidentiality, privacy and publicity”, in: p. Machnikowski (ed.), *articles on civil law – a tribute to professor jan kosik*, wroclaw.
 39. Wassomt, brian d., (2013), “uncertainty squared: the right of publicity and social medi”, *syracuse law review* , vol. 63.
 40. Wyman, alex, (2014), “defining the modern right of publicity”, *tex. Rev. Ent. & sports l.*, no.15.hts.